

نماز نخوانید، که حماقت است!

بهرام صالحی

یک تاکتیک را برای بچالش کشیدن اسلام، در اینجا بیان میکنیم، که تمام مسلمانان را در هر مناظره ای کیش و مات میکند. یک انتقاد محکم است که، شخصا آن را برای چند مسلمان مطرح کرده ام، اکثرشان گفته اند که نمیدانیم، باید برویم از چند آخوند سوال کنیم و جواب را برایتان بیاوریم! به دنبال خود سیاه رفته اند، دو نفر از آنها که تا امروز شش ماه شده است ولی هنوز پیدایشان نیست! سوره "اخلاص" که به "قول هو الله" نیز مشهور است. سوره ایست که مسلمانان هفده مرتبه در هر روز در نمازهایشان میخوانند. بسیاری احادیث هم هست که خواندن این سوره را چندین و چند

دین ابزار اعمال سیاست طبقات حاکم است

داشته باشد را اجرا کنند چون دار کمال وقاحت اینجا و آنجا اعلام و دسته های سیک و مسیحی و می کند که جدایی دین و دولت مسلمان آماده اند تا سریعا به هنوز برای مردم ایران زود است. خدمتشان برسند. سر معلمین سربریدن معلمان مدارس دخترانه مدارس در افغانستان را بخاطر و حجاب و نقاب و تکه گوشت درس دادن به دختر بچه ها می شدن زنان و حسرت زنان به یک برند. در عراق محصول نظم زندگی عادی با حداقل آزادیها در نوین جهانی آمریکا زندگی زنان عراق و ایران و افغانستان و رشد صدها سال به عقب برگشته است. عنان گسیخته مدارس مذهبی زنان در عراق واقعا شبیه چیزی جملگی محصولات نقش دین شده اند که آن اخوند در استرالیا بعنوان ابزار اعمال سیاست نامیده بود. تکه گوشتی که قاتلین طبقات حاکمه و در این دوره و تجاوز کنندگان جملگی به آنها بطور اخص دین و سیاستهای نظم حمله و تجاوز می کنند. اعضای نوین جهانی هستند. مونث و فمینیست کابینه بریتانیا ما همیشه گفته ایم که مذهب نه که سالها در دفاع از حجاب و عقیده توده ها بلکه ابزار اعمال نقاب زنان "مسلمان" و احترام به سیاست طبقه حاکمه است. و این "فرهنگهای متفاوت دیگران" راز تناقضی است که اینجا قصد دارم کمی به آن بپردازم. نقاب انتقاد می کنند هرگز نمی جهان امروز خیره کننده است. توانند نقش ننگین خود را در حمله بشر کنترل باور نکردنی بر به عراق و تحمیل سیاه روزی و طبیعت پیدا کرده است. علم و بدبختی یه زنان عراق از یادها تکنولوژی هر دم رشد می کند. ببرند. شیرین عبادی برای تداوم و نقشه ژنتیکی بدن انسان بزودی به تضمین نقش ارتجاعی مذهب در بازار عرضه می شود، ←



اعظم کم گویان

در بریتانیا زن معلمی با نقابی زشت و کریه که چهره اش را ترسناک کرده و قاعدتا کودکان بیچاره ای را که او برایشان تدریس می کند - زهره ترک می کند از حق خود بر داشتن نقاب در هنگام تدریس در کلاسهای درس می گوید و از مدرسه ای که او را پس از سالها از این کار منع کرده به دادگاه شکایت می کند. آخوندی در استرالیا زنان بی حجاب را یک تکه گوشت تحریک کننده نامیده که گربه ها و حیوانات دیگر را وسوسه و خود را قابل تجاوز جنسی می کنند. در انگلستان مدارس مذهبی مانند قارچ می رویند. باغبان این قارچستان دولت تونی بلر است. در این مدارس به کودکان میتولوژی مریم باکره و حکم خدا در مورد حجاب زنان و خرافه کشتی نوح و یاهو بودن تئوری تکامل داروین را می آموزند. دیگر- انجمنها و نهادهای فرهنگی جرات نمی کنند موزیک و نمایشنامه و اثر هنری که کوچکترین جنبه انتقادی به دین

صفحه ۳

اطلاعیه اعلام موجودیت کلوب آزاداندیشان در هلند!

در صفحات دیگر:

آیا می شود یک آته ایست بنیادگرا بود؟

خدا، دین و حقیقت

نامه های شما

ترور طلسم است و فریب!

آپدیت

از مقدمه ای به نقد فلسفه حق هگل

عضو انجمن بی خدایان شوید!

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

کتابهای درسی حذف کرده و بحث Genesis (خلقت) تورات و انجیل را به جای آن بگذارند. در قرن بیست و یکم هنوز بساط خدا و بهشت و جهنم و سایر خرافات مذهبی داغ است و ضد علمی ترین و پوچ ترین احکام و احادیث مذهبی، سیاست و قانون حاکم بر زندگی بخشهای وسیعی از مردم شده است. از یک طرف نقشه ژنتیکی بدن انسان و تکثیر ژنتیکی موجودات زنده در جریان است و از سوی دیگر دارند سنگسار می کنند. قاعدتا با این همه پیشرفت باید دست درازی مذهب به زندگی زنان قطع می شد اما برعکس زنان زیر لگد قوانین وحشیانه اسلامی پایمال می شوند. تاخت و تازیانه تاز لمپنهای اسلامی از ایران و افغانستان تا سودان و الجزایر و لبنان و فلسطین و نیجریه و مصر بیداد می کند. در دهسال گذشته کلیسای ارتدکس در روسیه بشدت احیا شده است. از سال ۱۹۹۰ تا بحال، ۱۳ هزار کلیسا ساخته شده، ۴۶۰ صومعه بازگشایی شده، ۲۲ حوزه باصلاح علمیه بازگشایی شده، ۲۰ هزار نفر به مقام کشیشی رسیده اند. طی این ده سال راست ترین جناحهای بورژوازی وسیع ترین تبلیغات مذهبی را به راه انداخته اند، نزدیکترین رابطه ممکن بین دولت و کلیسا برقرار شده و طبق قوانین مصوب و حمایتهای قانونی و رسمی و غیر رسمی از کلیسای ارتدکس، مذهب رسمی مملکت برسمیت شناسانده شده است. مقامات کلیسای ارتدکس از سیاستهای دولت روسیه پشتیبانی رسمی می کنند و در مقابل، بعنوان مذهب بالادست از همه نوع حمایت مالی، قانونی و سیاسی و دولتی برخوردار می شوند. طبق قانونی که در سال

ژنهای مسئول هر فونکسیون در بدن انسان معلوم خواهند شد و بسیاری از بیماریها از جمله بیماریهای ارثی قابل درمان خواهند شد. انقلاب تکنولوژیک و انفورماتیک، تکثیر ژنتیکی موجودات زنده در آزمایشگاه، فرستادن سفینه های تحقیقی فضایی به سیارات مختلف و امکان دستیابی بیشتر به فضاها دورتر و منظومه های دیگر، درمان بسیاری از بیماریها و اختراعاتی که هر روز تعدادشان زیاد میشود و رشد شگفت انگیز مادی جهان و نیروهای مولده، همگی باید بشر را در موقعیتی قرار دهد که بر زندگی اش کنترل بیشتری داشته باشد، علمی تر و بازتر به دنیا نگاه کند، آزاد اندیش تر و جسورتر باشد، خرافات و مذهب را به سخره بگیرد، مرفه تر و انسانی تر زندگی کند، با شخصیت تر و جسورتر باشد. اما متأسفانه چنین نیست. در کنار این تصویر رشد و پیشرفت علم و صنعت و تکنولوژی که زمانی مذهب را با قدرت کنار زده بود، ما شاهد آن هستیم که مذهب تحرک فوق العاده ای پیدا کرده و آسایش و امنیت را از انسانها سلب کرده است. آیات عظام و حج اسلام در بسیاری از جوامع سردمدار شده اند. مسیحیت در ایالتهای جنوبی و میانی آمریکا مثل کانزاس، کارولینا، آلاباما و فلوریدا رشد کرده است. این منطقه به کمربند انجیل The Bible Belt معروف است. اینها دارند به برنامه آموزشی مدارس برای پاک کردن تئوری تکامل داروین فشار می آورند. می خواهند تئوری بیگ بنگ؛ تئوری ای که توضیح می دهد جهان چگونه بوجود آمد را از

توانیم این تناقض را توضیح بدهیم؟ چگونه بشریت دو قرن پیش مذهب را در قفس کرد، و حالا مذهب دوباره به جان مردم افتاده است؟ علت این تاخت و تاز مذهب چیست؟ راز بقای مذهب چیست؟ طبقه بورژوازی حاکم برای سرپا نگه داشتن این دنیای وارونه و برای جلوگیری از اعتراض کارگر و مردم محروم در جهان و تقویت و تحکیم سلطه و نفوذ سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و معنویت به مذهب احتیاج دارد و آن را با تمام قوا حفظ می کند، در افغانستان غرب طالبان را سرکار می آورد، در ایران برای حفظ وضع موجود و سرکوب انقلاب ۵۷ جریان خمینی را جلوی صحنه می آورد. بلوک شرق هم تا وقتی زنده بود برای نفوذ در مناطق تحت سلطه بلوک مسلط غرب تئوریهای اسلام مترقی و ضدامپریالیست و الهیات رهایی بخش را پیر و بال داد. بورژوازی بمحض مستقر و مسلط شدنش دوباره به مذهب راه داد، هر جا لازم داشت آن را از قفس بیرون آورد و به جان مردم پنهان کنند در حالیکه در قرن ۱۸ این کشیشان بودند که دنبال سوراخ موش می گشتند. مذهب محترم شده و بیخدایان تکفیر می شوند و زیر فشار هستند.

کسانی که مذهبی هم نیستند می گویند نباید علیه مذهب حرف زد، برای بهتر شدن اوضاع باید مذهب و مدرنیته و مذهب و سکولاریسم و مذهب و فمینیسم را با هم تلفیق کرد. می گویند مذهب یک دست نیست بلکه مذهب مترقی، ضد امپریالیست و خلقی داریم، الهیات رهایی بخش داریم و غیره و اول رها شدن از آن سکولاریسم و جدایی دین و دولت است.

چرا این طور است؟ چگونه می



Marx, Karl. A contribution to the critics of Hegel's philosophy of Rights. ed. Eugene Kamenka, penguin inc.

بی خدایان را تکثیر و پخش کنید!

دائرة المعارف آن و منطق آن در خیالی و دروغین را در بین مردم یک فرم و ظاهر عامه پسند است. بوجود می آورد، در واقع نشانه معنویات این جهان و زمینه خواست و تمنای مردم برای عمومی توجیه این جهان است. دستیابی به خوشحالی و سعادت انعکاس ذات بشری در یک قالب واقعی در جهان است. این خواست شبح گونه است. مبارزه علیه مذهب از این رو مبارزه ای غیر مستقیم علیه جهانی است که مذهب معنویات آن را می سازد. ستم مذهبی، انعکاس و بیان ستم های واقعی و ملموس است و اعتراض به مذهب، اعتراض به ستم های این جهان است. مذهب آه مخلوق ستم دیده است، روح جهان بی روح و قلب جهان قسی القلب است. مذهب افیون مردم است. اعتقاد به مذهب که یک خوشی و سعادت

از مقدمه ای به نقد فلسفه

حق هگل

کارل مارکس

اساس نقد مذهب این است که انسان مذهب را آفریده، خدا و مذهب انسان را خلق نکرده. مذهب در واقع خودآگاهی انسانی است که هنوز خود را باز نیافته یا خود را باخته و از دست داده است. اما انسان یک موجود انتزاعی فارغ از جهان اطراف خود نیست. انسان، انسان جهان، دولت و جامعه است. این دولت و جامعه، مذهب را تولید می کنند. مذهب تئوری عمومی این جهان است.

میگیرد! زیرا آن برداشت باید از همان جمله ای که خدا به محمد گفته است هم بشود زیرا، کلمات دو جمله دقیقا عین هم دیگر

در صورتی که باید بگوید خدایا تو است! شاید بهترین کار این باشد که مسلمانان جمله ها را اصلاح کنند و دیگر مرتکب چنین جسارتی روزی هفده بار و در جایی هم هزار بار به خدا نشوند. اما اگر در قرآن دست ببرند و آیه ها را تغییر دهند دیگر گناه کبیره کرده اند و جایشان ته جهنم میشود، زیرا همان قرآن دستور داده است که همین سوره ها را بخوانید و گله باید هرچه چوپان میگوید را اطاعت کند.

نماز بخوانید، دست از این بی بردارید و با تکرار این چرندیات به عقل و شعور انسانی خودتان که می تواند بسیار فراتر از این باشد، توهین نکنید. مهمتر از همه اگر نماز بخوانید به خدا هم توهین نکرده اید و مرتکب چنین جسارتی نشده اید که به او امر کنید: بگوید خدا

قل = بگو ، هو = او ، نماز را به زبان عربی بخوانند ، و فارسی آن را می گفتند مطمئنن به این تناقض بزرگ پی میبردند که چرا می گویند بگو خدا یکتاست ، در صورتی که باید بگوید خدایا تو یکتا هستی. در آن شرایط هم با اینکه با هزار نیرنگ و کلک این تناقض را در ذهن خود توجیه می کردند ولی باز حداقل این سوال در ذهنشان نقش میبست و روی آنچه می گفتند فکر میکردند . دستور زبان را در کلاس سوم دبستان به همه یاد داده اند و از آن راه فراری نیست ، یکی از آنهايي که این انتقاد را در مقابلش مطرح کردم چنین استدلال کرد که قرآن مثل شعر میماند و دستور زبان آن در جاهایی تغییر میکند . این استدلال بی پایه است ، درست است که در شعر بسیاری جاها جای فعل و فاعل و خیلی از قواعد با هم عوض میشود ، ولی این ربطی به آن ندارد . اینجا مستقیما خدا مخاطب قرار میگیرد و به او امر میشود که بگوید خدا یکتاست ! و هیچ برداشت دیگری نمیشود از آن کرد ، و آن را به شعر برای مثال تشبیه کرد ، آن وقت همین جمله با آنچه که خدا به محمد دستور داده در تضاد قرار



بار بیشتر و مستقل از نماز برای واحد

معنی جمله آنقدر ساده است که هیچ احتیاجی به تفسیر هم ندارد ، یعنی: بگو او خدای یکتاست . جمله امری است ، یعنی خدا دستور داده است به محمد که بگوید خدا یکتاست .

همه جا هدف از نماز خواندن را راز و نیاز کردن با خدا گفته اند ، یعنی صحبت کردن با خدا ، عبادت و ستایش خدا .

و بعد مسلمانان در نماز رو بروی خدا ایستاده اند و به خدا امر میکنند که بگوید : بگو خدا یکتاست !!! یک بار خدا به مسلمانان امر کرده بود که بگویند خدا یکتاست ، حال

مسلمانان دوباره همان جمله را خطاب به خدا تکرار میکنند که خدا بگوید خدا یکتاست ! اگر کسی رو بروی خدا ایستاده است و میخواهد خدا را ستایش کند ، باید بگوید : خدایا تو یکتا هستی ، نه اینکه خدایا بگو خدا یکتاست !

اگر به کسی امر شده است ، مامور باید امر را اجرا کند ، نه اینکه خودش دوباره به کس دیگری امر کند ! آن همه به خود خدا !

اگر فارسی زبانان مجبور نبودند

زنده باد بی خدایی

خدا، دین و حقیقت

کسانی که میتوانند تو به چرندیات معتقد کنند، میتوانند تو را مجبور به انجام کارهای وحشیانه کنند. ولتر

تحقیقات علمی بر روی این پایه استوار است که همه اتفاقاتی که می افتند معین شده توسط قوانین طبیعت هستند و این در مورد اعمال مردم نیز صادق است. به همین دلیل است که یک محقق علمی به سختی میتواند تمایل به این عقیده داشته باشد که اتفاقها را میتوان با دعا خواندن تحت تاثیر قرار داد، مثلا با آرزو کردن و تمنا کردن از یک موجود ماورای طبیعت بتوان به تغییری دست یافت. آلبرت اینشتین

پیامبرانی که مسلح شدند، پیروز شدند، و پیامبرانی که سلاح نداشتند از یادها رفتند. ماکیاولی

وقتی من بچه بودم هرشب از خدا میخواستم که یک دوچرخه به من بدهد، سر انجام فهمیدم که کار خدا اینجوری نیست، بنابر این رفتم و یک دوچرخه دزدیدم و از آن پس هرشب از خدا میخواستم که من را ببخشد. ارنو فیلیپ

ادیان مانند بازیهای مانند شطرنج و تخته نرد هستند که از آسیا به اروپا آمده اند. ولتر

دوران نادانی با کلیسای مسیحیت آغاز شد.

توماس پین

جامعه گوسفندی لایق حکومت گرگان است

برتراند راسل

اگر مردم فقط بخاطر ترس از تنبیه شدن و یا به امید پاداش گرفت خوب هستند، حقیقتا باید خیلی متاسف باشیم.

آلبرت اینشتین

خداوندا، مرا از شر طرفدارانت حفظ کن!

بی نام و نشان

تعریف ایمان: صبر نکردن برای درک اینکه چه چیز صحیح است.

فردریش نیچه

من باور دارم هر دو ما بیخدا هستیم. من تنها به یک خدا کمتر از تو اعتقاد دارم. وقتی که بفهمی چرا تمامی خدایان دیگر را رد کرده ای و فقط یک خدا را قبول کرده ای، خواهی فهمید که من خدای تو را رد میکنم.

استفن روبرتز

"گفتن اینکه بیخدایی یک دین است مثل این است که گفته شود کچلی یک نوع رنگ مو است."

دون هیرشبرگ

بیخدا کسی است که هیچ پشتیبان نامرئی ندارد.

جان بوکان

شاید هدف از زندگی ما در این دنیا این نباشد که خدا را بپرستیم، بلکه این باشد که او را خلق کنیم.

آرتور کلارک.

من به کسانی که خوب میدانند خدا از آنها میخواهد که چکار کنند اعتماد ندارم، زیرا من فهمیده ام که آنها همیشه امیال خود را با امیال خدا یکی میدانند.

سوزان انتونی.

"آیا تو نمیدانی که شیطانی وجود ندارد؟ شیطان همان خدا است وقتی که مست میکند."

تام وینز

"وقتی میتوان فهمید خدا ساخته ذهن انسان است که هر وقت ما از کسی متنفریم او نیز از او متنفر است." گمنام



سلمان رشدی

ترور طلسم است و فریب!

ترجمه: فرزاد نازاری

یک دنیای بهتر از اهداف آنها و زندگی دیگران را هم قربانی نیست. در عوض آنها آمده اند بیرون میکند، او را سوق میدهد که معتقد به تا آدمهای بیگناه را به قتل برسانند. اعمال قهرمانی شود. چیزی که برای مثال اگر نزاع بین فلسطین نباید فراموش کرد این است و اسرائیل هم معجزه آسا بین امروز قربانیانی که توسط اسلاميون تا فردا حل میشد بعید میدانم که این رادیکال مرعوب و کشته میشوند حملات کاهش پیدا کند. بیشتر مسلمانان دیگری هستند.

اشپیگل: هنوز باید لیلی وجود داشته باشد یا حداقل چاشنی برای این خواستهای شنیع، برای پاک کردن واز بین بردن زندگی دیگران وجود دارد که اتخاذی ناسیونالیستی دارند. یکی ممکن است هدفی قابل درک را بگوید و هرچیز در دسترس را بکاربرد.

اشپیگل: این دقیقا چیز است که هست. یکباره نباید خیمه بنیادی اخلاقیات را بلااثر دید و افراد رامسئول اعمال خود دانست و همچنین چاشنیها راهم فردی قلمداد کرد. تربیت و آموزش اتفاقا در اینجا نقش بازی میکند. سهیم کردن و بهره مند ساختن احساسی بدفهم از ماموریتی که مردم را به طرف "عمل" سوق میدهد و اضافه بر این یک روحیه گروهی هم وجود دارد، وقتی شما در یک گروه ادغام میشوید همه کس ادامه میدهد که همه کس را جلوتر و جلوتر به طرف یک وضعیت اجباری سوق دهد. تپیی از شخص موجود است که معتقد است اعمالش او را تبدیل به یک موجود تاریخی میکند و بعد نوعی هم هست که بسادگی احساس میکند که جذب خشونت شده است و بله من فکر میکنم طلسم و فریبندگی هم نقش بازی می کند.

اشپیگل: و با دیگران، تروریستهای ناسیونالیست باید با اینها وارد دیالوگ شویم؟

اشپیگل: چه چیزی این افتخار را به من میدهد خودم را اصلا اینطور نمی بینم.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: سلمان رشدی 59 ساله، سالهای زیادی را صرف نوشتن و فکر کردن در باره ترور کرده است او با اشپیگل در باره چرا مردان جوان به ظاهر نرمال تبدیل به تروریست میشوند، خطر مذهب و یا تبدیل شدن آمریکا به یک دولت استبدادی سخن می گوید.

اشپیگل: آقای رشدی شما مانند یک متخصص در شناخت تروریسم اشپیگل: چه چیزی این افتخار را به من میدهد خودم را اصلا اینطور نمی بینم.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

اشپیگل: کتاب شما خزه پوش با توصیفش از آمریکایی که توسط ترور تهدید میشود و از طرف بسیاری مانند یک کتاب پیامرگونه دیده شد که 11 سپتامبر را پیشبینی میکند. آخرین کتاب شما "شالیمار دلک" شرح میدهد که چگونه یک مجری سیرک در کشمیر تبدیل به یک تروریسم میشود و برای بیشتر از یک دهه زندگی شما توسط ایرانیهای فناتیک با یک جایزه چهار میلیون دلاری برای سر شما تهدید می شد.

از جامعه آزاد در برابر تروریسم اجتناب ناپذیر است.

رشدی: من منظورم چک کردن سختتر هواپیماها و چیزهای دیگر شبیه به این بود، آزاردهنده هستند ولی میتوان آنها را به خاطر مواقع اضطراری به آسانی درک کرد. من فکر نمی‌کردم که بوش یک ماشین استبداد دولتی را سر پا کند.

رشدی: اوه بله در این چند سال گذشته من رئیس انجمن قلم در نیویورک و رئیس انستیتوی نوسندگان آمریکایی بوده‌ام. دوباره و دوباره ما می‌بایستی با این حمله های وسیع به حقوق مدنی روبرو شویم و شکایات همیشه توجیه می‌شدند و حتی ظاهرش هم شبیه آن عملیات دستگیری و پابین حملات ضد تروریستی نبود. و میدانم

رشدی: البته که احتیاجاتی و رای می‌کنند، همه در رابطه با چی حرف می‌زنم: از تاریخ تهدید شدن خودم من حقیقتاً یک سمپاتی را در رابطه با مامورین رشد داده‌ام، محافظین من بزرگترین احترام من را شامل می‌شوند.

اشپیگل: پس بوش و بلر خیلی زیاده روی می‌کنند؟

رشدی: این مشکل سیاستمداران است که گرایش طبیعی به استبداد دارند، وقتی به آنها شانسی داده میشود زیاده روی می‌کنند.

رشدی: شما از من انتظار ندارید که جاذبه های اسلام را شرح!؟

اشپیگل: چه مصالحات و سازشهایی میتواند و باید غرب برای بازداشتن و جلوگیری از تهدید تروریسم انجام دهد.

رشدی: من مرد سازش و مصالحه هم نیستم، فکر میکنم شما من را اشتباه گرفته اید.

اشپیگل: ولی شما خودتان در بحبوحه [1] سپتامبر گفتید که احتیاج داریم خواستی که از محدود کردن حقوقها برای مراقبت ارزشهایمان با کلمات ←

آنجا انجام داده‌ام و چقدر من از رشدی: بله شرایط آنجا مطلع هستم.

اشپیگل: این جواب روشنی است

و همچنین توهین به آدمهای بسیار.

رشدی: به نظر من " دنیای روحانی" میبایست به یک دفتر

راهنما چسبانده میشد و استفاده این دفتر مثلاً برای 50 سال ممنوع

میشد. چیزهایی که روحانی تلقی میشوند و هر روز هم بر تعداد آنها

افزوده میشود باور نکردنی است. این حتی به شامپوی روحانی، سگ

کوچولوی روحانی هم رسیده است.

اشپیگل: خود شما یکبار نوشتید ما به جواب برای غیر قابل جوابها

نیاز مندیم. آیا زندگی همین است که هست؟ آیا روح احتیاج به یک

تشریح دارد نه از نوع عقلانی آن از نوع قلبی آن مظهر است.

رشدی: البته که احتیاجاتی و رای می‌کنند، همه در رابطه با چی حرف

ما آنها را احساس میکنیم. برای من

بسا دگی جوابها در آنجا در متصرفات بهشتی مذهب نیست. اما

من به کسی تحکم نمیکنم که چه چیزی را باور کند و چه چیزی را

نه، و من هم نمیخواهم این به من تحکم شود.

رشدی: بنیادگرایان تمان ادیان شیطاین بنیادی دنیای امروز ما

هستند. تقریباً تمام دوستان من آننیست هستند پس من احساس

تنهایی نمیکنم. اگر نگاهی به تاریخ بی اندازید متوجه میشوید که فهم

اینکه چه چیزی شر است و چه چیزی خوب همیشه قبل از ادیان

فردی موجود بوده است، ادیان بعداً توسط مردم برای بیان این تفکر

اختراع شد. من یکی برای اینکه موجودی اخلاقی باشم احتیاجی به

یک داور مقدس و برتر ندارم.

اشپیگل: شاید نه، ولی بسیاری از مردم احتیاج به خدا دارند. ادیان

در سطح جهان دارند یک بازگشت را تجربه می‌کنند. کوشش برای

معنویت بیشتر از هر موقعی ادا شده است، آیا این یک ترقی منفی است

به نظر شما.

اشپیگل: قهرمان شما آدمی دوست داشتنی است حداقل در آغاز داستان.

رشدی: بله من علاقه ای به نقش کردن تصویری سیاه و سفید نداشتم: اینجا مقصری که بنیادن واز اول

فاسد است و آنجا قربانی بیگناه. نمیخواستم که چیزها را برای

خودم آنچنان آسان کنم. من علاقه به تصویر کردن ترقی و تکامل"

چگونه کسی در چنگ بنیادگرایان گرفتار میشود" را داشتم. و چگونه

گروه های تروریستی به دنبال پیداکردن آدمکشهای بلقوه هستند

دوروبرشان و محیطشان را تجسس میکنند و مردم را اغفال کرده و

فریب میدهند و از ضعفشان بهره می‌گیرند. اسم کتاب شالیمار دلک

است نه شالیمار آدمکش.

اشپیگل: داماد زخمی نقش بازی میکند که سفیر آمریکایی در دهلی

عشقش را دزدیده است، و همچنین کشمیر هم که از یک جامعه چند

فرهنگی صلحجو به یک زمین حاصلخیز برای تروریسم تغییر

میکند نقش بازی می‌کند. چه چیزی شالیمار را به اغوش جهادپستها

پرت میکند؟ حملات بیرحمانه ارتش هند است، آیا شما دچار

مشکل تشدید با تصویر این واقعیت از کشمیر؟

رشدی: خوشبختانه نه خیلی کم، کتاب من در هند ممنوع نشد طوری

که آیات شیطانی بود. طوری که کتابی دیگر

" آخرین حسرت مور" برای مدت کمی بود، زیرا به قول بعضیها

افترا زن به یک سیاستمدار هندی بود. نظرهای مثبت زیادی هم در

این باره از هند گرفتم و حتی یکی از مهمترین جوایز ادبی هند را. به

دلیل نیمه کشمیری بودن من مخصوصاً علاقه زیادی به آن

بهشت گمشده به آن منطقه دارم. شاید دلیل دیگری که

اعتراضاتی نشد همه متوجه شدند که چگونه من حقیقتاً تحقیقاتم را

فنا تیسیم مذهبی نقش نبسته مؤثر باشد. بیره های تامل در سریلانکا

برای مثال گروهی که مخترع مجازی بمبگذاری انتحاری بودند.

عقبه مذهبی ندارند هدفشان روشن است دولت مستقل می‌خواهند.

اشپیگل: آیا باید درخواست چنین اقلیتی را که فقط بیباک هستند را قبول کرد. درباره شالیمار چطور

قهرمان آخرین داستانان که برای کشمیراً دمکشی میکند، آیا باید سرنوشت آینده کشمیر را به او سپرد.

اشپیگل: آیا باید درخواست چنین اقلیتی را که فقط بیباک هستند را قبول کرد. درباره شالیمار چطور

قهرمان آخرین داستانان که برای کشمیراً دمکشی میکند، آیا باید سرنوشت آینده کشمیر را به او سپرد.

رشدی: شما باید به هرفردی جداگانه نگاه کنید و تنها را که شما

میتوانید بفهمید چرا فردی تصمیم میگیرد دست به مبارزه مسلحانه

بزند، نگاه کردن به شخصیت فردی او است. کیس شالیمار مخلوطی

از دلایل شخصی و سیاسی است.

اشپیگل: داماد زخمی نقش بازی میکند که سفیر آمریکایی در دهلی

عشقش را دزدیده است، و همچنین کشمیر هم که از یک جامعه چند

فرهنگی صلحجو به یک زمین حاصلخیز برای تروریسم تغییر

میکند نقش بازی می‌کند. چه چیزی شالیمار را به اغوش جهادپستها

پرت میکند؟ حملات بیرحمانه ارتش هند است، آیا شما دچار

مشکل تشدید با تصویر این واقعیت از کشمیر؟

رشدی: خوشبختانه نه خیلی کم، کتاب من در هند ممنوع نشد طوری

که آیات شیطانی بود. طوری که کتابی دیگر

" آخرین حسرت مور" برای مدت کمی بود، زیرا به قول بعضیها

افترا زن به یک سیاستمدار هندی بود. نظرهای مثبت زیادی هم در

این باره از هند گرفتم و حتی یکی از مهمترین جوایز ادبی هند را. به

دلیل نیمه کشمیری بودن من مخصوصاً علاقه زیادی به آن

بهشت گمشده به آن منطقه دارم. شاید دلیل دیگری که

اعتراضاتی نشد همه متوجه شدند که چگونه من حقیقتاً تحقیقاتم را

فنا تیسیم مذهبی نقش نبسته مؤثر باشد. بیره های تامل در سریلانکا

برای مثال گروهی که مخترع مجازی بمبگذاری انتحاری بودند.

عقبه مذهبی ندارند هدفشان روشن است دولت مستقل می‌خواهند.

اشپیگل: آیا باید درخواست چنین اقلیتی را که فقط بیباک هستند را قبول کرد. درباره شالیمار چطور

قهرمان آخرین داستانان که برای کشمیراً دمکشی میکند، آیا باید سرنوشت آینده کشمیر را به او سپرد.

رشدی: شما باید به هرفردی جداگانه نگاه کنید و تنها را که شما

میتوانید بفهمید چرا فردی تصمیم میگیرد دست به مبارزه مسلحانه

بزند، نگاه کردن به شخصیت فردی او است. کیس شالیمار مخلوطی از دلایل شخصی و سیاسی است.

اطلاعیه اعلام موجودیت کلوپ آزاداندیشان در هلند!

کلوپ آزاداندیشان با یک کمیته پنج نفره در شهر Breda آغاز به فعالیت می کند. این کلوپ با مسئولیت فرزاد نازاری و دکتر ثمیر الدهیری در راستای متشکل کردن انسانهای آزاد اندیش و سکولار در میان مهاجرین و پناهندگان که از کشورهای اسلامزده گریخته اند تشکیل شده است و هدف اصلی اش رساندن صدای این انسانها و جوش دادن آنها به انسانهای شریف و آزاد اندیش و متمدن جامعه هلند است تا از این طریق جو حاکم در جامعه هلند را که از طریق میدیای رسمی و به میمنت مماشات سیاست نسبیبت فرهنگی دول اروپایی با جنبشهای سیاسی-اسلامی در این مورد که همه آنهاهی که از خاور میانه و ایران و عراق و افغانستان می آیند همگی شنوندگان ملامهای مساجد هستند را بشکند. در رسیدن به این هدف ما تنها نیستیم و کمک بیدریغ انسانهای شریف این جامعه پشتیبان ما خواهد بود. در این تشکل بروی هر انسان آزاده ای که خود را در اهداف آن شریک میدانند باز است.

بزودی آدرس لوکال این کلوپ، و موازین و شرایط حاکم بر آن منتشر و اعلام میگردد. تا آن زمان علاقه مندان می توانند با شماره تلفن و آدرس e-mail مسئولین کلوپ برای کسب اطلاعات بیشتر تماس حاصل فرمایند.

ثمیر الدهیری: samairaldahiri@hotmail.com

فرزاد نازاری:

تلفن: 0031648234950

Farzadn42@hotmail.com

بیان ما از پلورالیسم ما واز کردید. روشن دفاع کنیم و حقیقی به ارزشهای پایه ای ما هستند، که شخص گناه کار گفت گناه کار. اگر می خواهند با ما زندگی کنند باید مطیع این ارزشها باشند.

اشپیگل: منظور شما از این چیست. اشپیگل: چه نقشی میتواند ادبیات در تشویق ترانس و تقبیح رشدی: من همیشه به سختی علیه قوانین کفرگویی بوده ام، که قرار است مذهب را از گزند تهمت رشدی: هیچ بدیلی برای فرهنگهای وافترا محافظت کند. این کاملا همجوار صلح جو موجود نیست. درست است که مسلمین مانند هر ترفیع این وظیفه ای است که کس دیگری در جامعه آزاد از آزادی های مذهبی بهره مند شوند و باز هم این کاملا درست است که بر علیه تبعیضات هر جا و مکانی که با آن روبرو می شوند اعتراض کنند. بدون شک در غرب عکس العملهایی منعکس میشود که به طرف بد گمانی نابالغ ضد اسلامی سوق داده می شود. از طرف دیگر چیزی که درست نیست برای رهبران مسلمان در کشورهای ماست که درخواست کنند که دین شان از انتقاد از بی احترامی، استهزا و توهین مصون بماند. حتی انتقادهای از روی بدخواهی، حتی توهین به خمینی در یال 1989 شما تقریبا شخصیتها اینها قسمتی از آزادی برای 10 سال عملا زندگی مخفی

رشدی: جالب است که این را گفتید، شاید این دلیلی باشد که من با احترام عاشق این شهرها هستم. رشدی: من فقط آماده بودم که از شما بخاطر اینکه هنوز در گفت و گویمان کلمه فتوا را ذکر نکرده اید تشکر کنم. اشپیگل: اما هر قدر هم شما از آن متنفر باشید اجتناب ناپذیر است. رشدی: بله، بله، می دونم، این اگر چه چیزی نبود که من بخاطرش شهرت جهانی پیدا کردم، در سالهایی بعد از آن مواقعی این احساس را داشتم آنطوری که مردم داستان زندگی من را مینوشتند ولی من مدت زیادی است که این را پشت سر گذاشته ام، آزاد زندگی میکنم مثل یک ساکن لندن و نیویورک و به مسافرتها مکرر به شهر زادگاهم بمبئی می روم. اشپیگل: هر سه این شهرها و النتاین بود. از این رو من حداقل شهرهایی هستند که مورد حمله جدی تروریستی قرار گرفته اند و هر سه به حالت خودشان بازگشته اند و از تعهدشان به زندگی آزاد مراقبت کرده اند.

اشپیگل: طبق تعابیر شیعی فتوای خمینی نمیتواند پس گرفته شود چون یک حکم مذهبی است، حتی اگر رسماً تهدیدی بر سر شما نیست، مهیجینی که در دور احمدی نژاد هستند میتواند هر زمان فتوا را فعال کند. رشدی: من این تعقیبها را خوانده ام، ولی هیچ اهمیتی به آنها نمیدهم. اشپیگل: آیا هنوز روز اعلام فتوا را بخاطر دارید، آیا سالگردش را هر سال بخاطر می آورید. رشدی: چطور میتوانم آن روز را از خاطره ام پاک کنم، روز اشپیگل: هر سه این شهرها و النتاین بود. از این رو من حداقل شهرهایی هستند که مورد حمله جدی تروریستی قرار گرفته اند و هر سه به حالت خودشان بازگشته اند و از تعهدشان به زندگی آزاد مراقبت کرده اند.

آیا می شود یک آتیه ایست بنیادگرا بود؟

ای. سی. گری لینگ

ترجمه: اعظم کم گوین

وقت آن رسیده است که اشتباهات و پیش فرضهایی را کنار بگذاریم که در پشت عبارتی وجود دارند که مذهبی ها در مورد آتیه ایستهای رک و راست بکار می برند: عبارت "آتیه ایست بنیادگرا" این عبارت را مذهبیون وقتی بکار می برند که یک آتیه ایست رک و پوست کنده درباره عدم اعتقاد خود به خدا و ادعاهای مذهبی صحبت می کنند. یک آتیه ایست غیر بنیادگرا چه کسی است؟ آیا او کسی است که معتقد است قدرتی ماورا الطبیعه در جهان وجود دارد؟ یا شاید کسی است که معتقد است بخشی از خدا بر جهان حاکم است (مثلا یک پای الهی! یا باسن آسمانی خدا؟) یا کسی است که معتقد است خدا بعضی اوقات مثلا چهارشنبه ها یا شنبه ها وجود دارد (البته این خیلی عجیب نیست چون برای بسیاری از شبه خداپرستان خدا فقط یکشنبه ها وجود دارد که آنها برایش به کلیسا می روند!) یا شاید یک آتیه ایست غیربنیادگرا کسی است که بنظرش مهم نیست که دیگران اعتقادات بدوی و عمیقا غلط درباره جهان داشته باشند که براساس آنها قرنهای سائیرینی را که اعتقاداتشان به اندازه آنها غلط و بدوی نبوده است را بطور جمعی به قتل رسانده اند. مسیحیان از جمله معتقدند که "آتیه ایست های بنیادگرا" کسانی هستند که نمی خواهند دیگران از

آرامش ناشی از دین و همراهی با یک حامی نامرئی بی آزار در شبهای تاریک روح بهره ببرند و کسانی هستند که طبق ادعای مسیحیان قادر به اذعان زیبایی ناشی از الهام اعتقادات دینی نیستند. در حالیکه مسیحیت در شکل مدرن آن و با قلب خونینش! یک روایت متاخر و بسیار تعدیل شده ای از ایدئولوژی ستمگرانه و بیرحم در طول تاریخ خود بوده است. به جهادهای مسیحیان به شکنجه و سوزاندن و کباب کردن معترضین و مخالفین روی آتش و به بردگی ممتد زنان به زائیدن بچه و شوهران غیر قابل طلاق گرفتن- به اسارت گرفتن جنسیت انسانها به استفاده از ترس انسانها از آتش جهنم برای کنترل کردن آنها و به عواقب دهشتناک بهتان و آزارهای مسیحیت علیه یهودیان بیانیدیشید. امروزه برعکس آن زمان - مسیحیت با تمرکز بر موزیک ملایم و فراخوانش به مردم برای فقر و ریاضت کشی و با تهدید به آتش جهنم و با دکتورینش که فقط عده ای بهشتی اند و بقیه لعنت شده هستند- بانغمه های ملایم گیتار و لبلبندهای پر عطوفت جایگزین شده اند. این دین با چنان ریاکاری غیر قابل وصفی خود را قالب زده است تا بتواند کنترل خود بر اوضاع را حفظ کند. ریاکاری کلیسا و مسیحیت طوری است که اگر یک راهب صومعه آن زمان امروز زنده شود مانند دمپایی های ووی آلن نمی تواند دینی را که امروز همان نام مسیحیت را یدک می کشد (که آن زمان داشت) را دوباره بازشناسد.

بطور مثال:

لازم نیست راه دوری مانند نیجریه را برویم تارپاکاری مسیحیت تغییر یافته را ببینیم. در روم حقیقت ابدی یعنی آخرین دکترین مبنی بر اینکه روح کودکان غسل تعمید نیافته به جهنم می رود - دارد کنار گذاشته می شود. همزمان تعدادی از کاردینال ها دارند قابل قبول بودن کاندوم را فقط در روابط زناشویی و در کشورهایی که ابتلا به بیماری ایدز میران بالایی دارد را طرح می کنند. این آخری- که بنظر هر کس بجز یک مسیحی مومن نه فقط عقل سلیم بلکه یک اقدام انسانی است - تحول شگفت انگیزی است. کاتولیک های دارای عقل سلیم نسل ها و نسل ها دیدگاههای مردان مرتجع فرتوت و اتیکان در مورد پیشگیری از بارداری را نادیده گرفته و زیر پا گذاشته اند. اما افسوس - از آنجا که این کسب و کار دکتزینهای مذهبی است که رای دهندگان به خود را در ناآگاهی و جهالت کودکی نگاه دارند (وگرنه چگونه می توانند خزعبلات خود را معتبر جا بزنند؟) تعداد کمی از کاتولیک ها توانسته اند صاحب عقل سلیم بشوند. به ایرلند بعنوان نمونه ای

تر خواهند شد. بر سر سرواخ سوزن چه آمد؟ آه. البته که معلومه - آن سرواخ کوچک مذهباست که بسته شده. پس بر سر "قلمرو پادشاهی من در این دنیا نیست؟" چه آمد؟ در مورد تمجید مسیحیت از فقر و خاکساری چه؟ کلیسای انگلستان رسما صدور حکم جهنم را با تصویب قانون شورای کلیسا در سالهای 1920 لغو کرد و فرمان سن پاول در مورد جایگاه زنان در کلیسا (که طبق آن زنان باید در سکوت و با حجاب در ردیفهای پشت کلیسا می نشستند) چنان فراموش شده که اکنون اسقف های زن هم وجود دارند و بزودی زنان کاردینال هم خواهند شد.

عبارت "کودکی فکری" یا "جهالت فکری" به من خاطر نشان می کند که ادیان اساسا بدلیل نقش شان در شسشنشوی مغزی کودکان به بقای خود ادامه می دهند. 4/3 مدارس کلیسای کاتولیک انگلستان مدارس ابتدایی هستند. کلیه ادیانی که از پول مالیات پرداختی مردم مدارس مذهبی خود را می چرخانند می دانند که اگر کودکان سه یا چهار ساله بی دفاع را وادار به پذیرش دین خود نکنند سلطه آنها نهایتا سست خواهد شد. کاشتن خزعبلات ادیان اصلی در مغز کودکان نوعی کودک آزاری و افتضاح است. بیانید به مصاف ادیان برویم تا دست از سر کودکان تا زمانی که بزرگ و بالغ بشوند - بردارند. بطور مثال به یک انسان بالغ با هوش متوسط که دچار شسشنشوی مغزی نشده بگوئید که در جائی و بطور نامرئی موجودی مانند ما هست با همان علائق و تمایلات و اهداف و حافظه و عواطفی مانند خشم عشق انتقامجویی و حسادت. اما این موجود کمبودها و نقصانهای ما انسانها مانند ضعف و مرگ و مرئی بودن و دانش و بینش محدود را ندارد. این خدا با روشی جادوآمیز زن معمولی را حامله کرده که او هم موجود خاصی را بدنیا می آورد که قبل از رفتن به بهشت معجزه های عجیبی خلق می کند. انتخاب با شماست که یا اشکال دیگر این داستانها در میتولوژی بابل و مصر و غیره. بعد از همان فرد متوسط العقل که از شسشنشوی مغزی توسط مذاهب خلاص بوده - برسید به کدام این داستان و روایات معتقد است. می توان تضمین کرد که چنین فردی بگوید هیچکدام از

سکولاریسم اولین گام در آزادی از دین

هیچ چیز ماورا الطبیعه ای در جهان وجود ندارد نه گوبلینی نه جن و پری ای و نه فرشته و شیطان و خدایی و نه خدایان مونث و مذکری وجود ندارند. در مقابل "آته ایست" معتقدین به گوبلین و جن و پری و ... هم میتوانند خود را گوبلنیست و پری ایست و جن و غیره بنامند که بهمان اندازه بی معنی با ما معنی خواهند بود. (بسیاری فراموش کرده اند که اعتقاد به جن و پری و فرشته و ... تا اوایل قرن نوزدهم بشدت رایج بود و کلیسا علیه کسانی که به دینان خوشش بیاید؟ آیا یک آته ایست قابل قبول کسی است که فکر می کند اینکه مردم معتقد باشند که خدایان قوانین طبیعت را گاه به گاه در پاسخ به نیاز گزاران و یا برای نجات روح کسی از گناهان بیشتر (بخصوص گناه شک و رفض) نوزدهم تاسیس شدند.) معلق می کنند - قابل قبول است؟

خوب- برای اینکه یک "آته ایست بنیادگرا" نباشید باید کدامیک از این خزعبلات را بپذیرید؟ آیا باید یک "آته ایست میانه رو" کاری به صدها میلیون انسانی که عمیقا توسط ادیان در طول تاریخ صدمه و آزار دیده اند نداشته باشد؟ آیا او باید از آنتی پاتی و خصومت سنی ها نسبت به شیعه ها و مسیحی ها نسبت به یهودیان و مسلمانان به هندوها و همه آنها نسبت به بی دینان خوشش بیاید؟ آیا یک آته ایست قابل قبول کسی است که فکر می کند اینکه مردم معتقد باشند که خدایان قوانین طبیعت را گاه به گاه در پاسخ به نیاز گزاران و یا برای نجات روح کسی از گناهان بیشتر (بخصوص گناه شک و رفض) نوزدهم تاسیس شدند.) معلق می کنند - قابل قبول است؟

اما طبیعت گرایان در مقابل می توانند بگویند که ماورا الطبیعیست ها معمولا وقتی که سر و کارشان به بیمارستان و هواپیما می افتد علاقه عجیبی به علم پیدا می کنند.

البته ماورا الطبیعیست ها می توانند ادعا کنند که علم خودش نشانه استعداد و نبوغ خداست و به این ترتیب پناه بردنشان به علم را توجیه کنند. اما آنها باید پوپر را بیاد بیاورند: "تئوری که همه چیز را توضیح می دهد هیچ چیز را توضیح نمی دهد"

اما طبیعت گرایی (آته ایسم) بنا به تعریف چنین عقیده ای را بیار نمی آورد. هر دیدگاهی که وجود نیرویی ماورای طبیعی را مطرح کند فلسفه ای یا تئوری ای و یا در بدترین حالت یک ایدئولوژی است. اگر هر یک از دو مورد اول باشد در بهترین حالت به شواهد و مدارک برای پذیرش عقیده استناد می کند می داند چه چیزی را رد می کند و آماده است تا در دینداران بکار برده می شود و این تلاش آنهاست که طبیعت گرایی (آته ایسم) را بعنوان مذهب تعریف می کنند. اما بنا به تعریف مذهب چیزی است که در مرکز آن عقیده به وجود عوامل ماورالطبیعت وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

عنوان نتیجه گیری باید اشاره کنیم که ژرونتیسم موئتلفی توسط دینداران بکار برده می شود و این تلاش آنهاست که طبیعت گرایی (آته ایسم) را بعنوان مذهب تعریف می کنند. اما بنا به تعریف مذهب چیزی است که در مرکز آن عقیده به وجود عوامل ماورالطبیعت وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

وجود دارد - و نه فقط وجود آنها بلکه توجه آنها به انسانهای روی زمین و نه فقط توجه آنها بلکه توجه ریز و دقیق آنها به اینکه انسانها چه می خورند چه می پوشند کی می خورند چه می خوانند و چه می بینند چه چیزی برای آنها تمیز یا کثیف است با کی روابط جنسی دارند چگونه و کی؟

عضو انجمن بی خدایان بشوید!

برای رهایی از سلطه اسلام

و اسلام زدایی از ایران به ما ببینید!

مردم به تنگ آمده از اسلام، بی خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی خدایان" می خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می دهد و آنها را از زندگی و جامعه چارو می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تفریقات و عزاداری و حجاب و آپارتاید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند میکنیم.

مردم! عضو انجمن بی خدایان شوید و بی خدایی را به هر شکلی که میتوانید تبلیغ کنید!

نشریه بی خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید!

با ما تماس بگیرید به ما ببینید و جنبش رهایی از اسلام و بی خدایی را گسترش دهید.

اعظم کم گوین

انجمن بی خدایان

azam_kamguian@yahoo.com

www.bikhodayan.com

http://www.bi-khodayan.blogspot.com/

نامه های شما

موفق باشیم... و این امر که فردی در کل جهان تاثیر گذار باشد، چندان دور از دسترس نیست... همانگونه که اسکندر ها، ناپلئون ها، گاندی ها، انیشتین ها هم همین گوه بوده اند.....

رها مهاجری:

با سلام از سایت عالی شما متشکرم من را هم به عنوان یک جوان ایرانی به عضویت انجمن بیخدایان بپذیرید لطفاً از عکسهای ضد خدا و اسلام بیشتر استفاده کنید آیا میتوانم عکس ارسال کنم؟ با تشکر..... لعنت بر خدا این موجود خیالی و زنده باد بی خدایی

مهرداد:

با سلام و عرض ادب خسته نباشید

خانم کم گویان در قرآن سوره نسا آمده است آیه: 3 که هر مردی می تواند 4 زن بگیرد و در همین سوره در آیه 24 گفته می توانید پس از جنگ زنان شوهر دار را که اسیر شده اند به نکاح خود در آورید و همچنین توضیح داده که زنا نکنید بلکه با مال خود زنی را به اختیار بگیرید و پس از بهره مند شدن مزدش «مهر» را بدهید در آیه 25 آمده اگر توان مامی ندارید کنیزان خود را به زنی بگیرید و بعد از توانای مالی زنان آزاد بگیرید

خانم کم گویان این سخنان و افکار پلید از ذهن معیوب و بیمار شخصی بنام محمد پیامبر اسلام در آمد . شخصی که یک بیمار روانی بوده جالب است بگویم محمد بلیش از 450 زن داشته و محمد همواره در هراس بوده که مبادا زانش با مردان در رابطه باشند و اخباری که بگوشش میرسید او را نگران می کرد چرا که میگفتند چگونه محمد از وحی میگوید و اسرار می داند ولی از زانش خیر ندارد

به همین علت محمد دستوراتی صادر کرد و آنها را احکام خداوند خواند. سوره حزاب آیه 31 ای زنان پیغمبر هر که از شما بکار ناروای دانسته اقدام کند دو برابر دیگران عذاب کنند آیه 32 پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوید. و در آیه 33 گفته ای زنان پیغمبر در خانه هایتان بمانید و بی دلیل خارج نشویدو آرایش نکنید

خانم کم گویان عیش محمد نسبت به زنان بی حد حسر بوده و تمامی نداشته در همین سوره آیه 50 آمده ای پیغمبر گرامی تمامی زنان که مهرشان دادی بر تو حلال کردیم و کنیزانی که خدا تو را نسیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمو و عمه و خالو و خاله آنها که با تو از و طن خود هجرت کردند و نیز هر زنی که بی مهر خود را به تو ببخشد

یکی از بزرگترین مشکلات پیامبر اسلام این بوده که برای همبستر شدنبا زانش بوده ؛ کدام زنش را انتخاب کند و نمی توانسته رضایت تمام زانش را فراهم کند . در آیه 51 گفته هر یک از زنان را خواهی نوبتت موخر دار و هر که را خواهی به خود بپذیر و در آیه 52 آمده اگر کنیزی مالک شدی نوش جانت و در همین آیه به مردان دستور داده از زنان پیامبر دوری کنید و هرگاه چیزی میطلبید از پس پرده بخواهید تا دلهای شما و زنان پیامبر پاک بماند

خانم کم گویان ننگ بر محمد و کتابش قرآن و زنده باد بی خدایان

حامد راد:

من می خوام جهان بدون خدا رو براتون به تصویر بکشم. اصلا به دین و مذهب هم کاری ندارم فقط می خوام گفته ی شما رو که می گید خدایی وجود نداره شرح بدم. خوب شما حتما می گید تمام دنیا طبیعیه و هیچ قدرت بالاتری اون رو نساخته. خوب تا اینجا درست. شما ←

س.م. سلام خانم کم گویان... امیدوارم حالتون خوب باشه.. احتمالا سرتون خیلی شلوغه.. اما هر وقت 5 دقیقه فرصت داشتین، به این میل من یه نگاهی بندازین.. البته و صد البته که انتظار جواب شنیدن از شما رو ندارم... فقط می خواستم خودمو این جوری راحت کنم...

ببیند، مسئله ی خدا و وجود اون خیلی مهمتر و مفصل تر از اونه که شما دوستان دارید ازش بهره برداری سیاسی می کنید... البته منکر این قضیه نیستم که این دوتا (علم و استثمار دینی) وابستگی زیادی به هم دارن. اما وقتی من نوعی با هزار دوز و کلک سایت فیلتر شده ی شما رو باز می کنم، انتظار دارم در اون بحث از خدا باشه.. نه سیاست...!!

می دونید اشکال کار کجاست.. اینکه آگه قراره از بدبختی ها و مصائبی که ناشی از تدبیر ملتهاست سخن بگید، نباید منحصرآ به ایران پردازید.

البته این نکته که شما یک وطن پرستید، کاملا قابل تامله.. اما مسئله ی دین چیزی فراتر از ایران به عنوان شاخص ترین کشور مذهبی با انقلابی دین محوره.. دوست ندارم این رو بگم.. اما امیدوارم جبهه گیری شما به واسطه ی دوری از مملکت نباشه.. آگه قراره با این معضل برخورد کنیم، باید جامعه ی بشری رو مخاطب قرار بدیم.. مگه همین پاپ بندیکت بهتر از روحانیون این وریه... به نظر من که این جور نیست.. البته که شما مسلما دلایل خودتون رو دارید و قرار نیست که همه هم از این دلایل آگاه بشن.. اما کسی که پرچم روشنفکری رو در دست می گیره، متعلق به خودش نیست...

از همه ی اینها گذشته، خیلی از مواجهه با سایتتون خوشحال شدم.. (سایت بی خدایان و سایت شخصی خودتون) البته جواب پاسخ هایی که نویسندگان و دوستانتون به دیگران داده بود، آنچنان دلچسب نبود.. البته من هم به همین نتایج رسیده ام.. فکر کنم شیوه ی بیان من وقتیکه تو مباحثه با فرد دیگری ام بسیار قانع کننده تر از شیوه ی دوستان شماست...!!!! البته این شامل همه ی دوستان نمی شه...

من شخصا خیلی دوست داشته و دارم که بتونم به مردمان اطرافم بفهمونم که گرفتن حق در این دنیا رو به بهانه ی حضور بابا(خداوند) در مسند خلافت و وجود دنیایی بی هویت به ناکجا آباد موکول نکنند.

این احتمالا والاترین هدفه منه.. این که بهترین قانون برای دو روز زندگی کردن لزوما در نظر گرفتن حقوق انسانی و برخورد با متخلفان بر اساس همین قوانین و نه احکامی با قدمت چندین هزار ساله و تعلق به عصر مفرغه... من در دست نوشته ای که تهیه کردم به تمام این سوالات و نحوه ی برخورد با اونها پرداخته ام.. جواب سئوالهای چرایی رو خیلی خوب (به ظن خودم) یافته و بعضا در مجالست های دوستانه با توسل به همین ها بسیاری را اقناع و یا حداقل در تشکیک فرو برده ام... و البته که از این بابت بسیار خرسندم چون فکر می کنم سطح شعور بشری به تدریج پذیرای بی خدایی به عنوان یک روش برتر خواهد شد که مدیریت کلان اون با ذهن انسان هاست... مطمئنا در سالیان آینده به این موضوع به عنوان یکی از اولویت هایم خواهم پرداخت.

نکته ی دیگه ای که می خواستم شما هم در جریان باشید اینه که مطمئنا همه مون این مرض رو می شناسیم(استثمار دینی). اما این دردی به قدمت تاریخه.. مطمئنا ناپستی انتظار داشت که با یک نسخه ی من و شمایی این درد در مان بشه... بگذارد هر کس به ظن خود یار این قضیه بشه... به قول خودم: هر کس به طریقی ره خود پیماید دیوانه جدا، رند جدا دریابد. خیلی برام قابل قبولتره که برخورد با این قضیه به دور از تعصب و غرض ورزی باشه... به هر حال امیدوارم همه مون در دستیابی به اهدافه عالییه مون که رفاه و سعادت کل بشر رو تضمین کنه

اگوستین بر می گردد! او همچنین یهودیت و اسلام را هم مقصر می بیند. کتاب خیلی عالی است.

مایک جک:

خانم کم گویان عزیز
 بخاطر شور و حرارتی که در کار شما هست از شما تشکر می کنم. من فقط می توانم شجاعت را که شما دارید و به نر کارتان هست تصور کنم. خانواده من کاتولیک هستند و بعنوان کسی که به دنبال حقیقت زیبایی و روشنگری بوده من تا دستیابی به رهایی از دین زجر و ناراحتی کشیدم چون دین منشا رکود و اختناق است. مرگ تنبیه من برای ترک دین منظور نگردیده بود. من و خانواده ام هنوز به یکدیگر نزدیک هستم هر چند در ابتدا نگران و ناامید بودم که بتوانم این رابطه را حفظ کنم. بعید می دانم که به اندازه شما شجاع بوده باشم و بتوانم برای اعتقاداتم حتی مجازات مرگ را مانند شما بپذیرم. کاش می توانستم تا آن حد مانند شما شجاع باشم اما می دانم که چنین نیستم. شهادت شما درسی است برای من که بتوانم برای پایان بخشیدن به درد و رنج دیگران به تصمیمات مهم دست بزنم.

من همیشه در مورد اسلام کنجکاو بوده و دانشم کم بوده است. اخیرا به مطالعه سایر ادیان و فرهنگها پرداخته ام. مانند کسانی که شما آنها را نقد کرده اید منهم از بیم آنکه برچسب راسیست و احمق نخورم از اسلام انتقاد نکردم. من در مورد رنج و درد کسانی که زیر یوغ این دین هستند هیچ چیز نمی دانستم.

انسانهایی مانند تو آغازگر تغییرات مثبت هستند. با کلام تو بسیاری به وجود خود و بازگشت به انسان بودنشان می پردازند. به همین دلیل بود که برده داری در آمریکا به پایان رسید.

بار دیگر از شما بخاطر اهمیت دادن به خواهران و برادران خود تشکر می کنم.
 دوستدار شما

ناخدایی:

سرکار خانم کم گویان با سلام
 سایت شما را دیدم. خسته نباشید. در ایران مردم از اسلام کناره گیری می کنند و به مسیحیت و زرتشت می پیوندند. از چاله اسلام بیرون می آیند و به چاه دیگری پناه می برند. در مورد دین - ناباوری من تحقیقاتی کرده ام که جمع و جور کرده و می فرستم. لطفا نیچه را فراموش نکنید. دکترین فلسفی ولتر نیز جالب است.

می گید جایی بنام بهشت و جهنم و روز قیامت و روز حسابرسی وجود نداره و گناه و ثوابی هم وجود نداره. خوب اینم درست. من همه این حرفا رو قبول می کنم و می شم یک کافر. حالا من که یک شخص کافر هستم و هیچ خدا و قدرت بالاتری رو قبول ندارم شروع می کنم به زندگی. یک روز توی به خیابون خلوت رد می شم، به پیرزنی رو می بینم که تازه از بانک اومده بیرون و به بسته پول همراه داره. من با زرنگی و خلاقیت خودم اون پول رو می دزدم. یک روز دیگه یک بچه رو فریب می دم و بهش تجاوز می کنم. روز بعد فقط برای تفریح و سرگرمی یک نفر رو می کشم. خوب بعد به کارهایی که انجام دادم فکر می کنم. دزدی-تجاوز-قتل. خوب من یک کافرم چرا باید از این کارها ناراحت بشم یا حس بدی بهم دست بده من که به خدا ایمان ندارم و همچنین به جهنم که یک روز منو بخاطر انجام این کارها اونجا بذارن و عذاب بدن. پس سعی می کنم دفعه بعد پول بیشتری بدزدم و از هر طریق و با هرکسی که شده رابطه جنسی داشته باشم. چرا نباید این کارها رو بکنم در حالی که کافران چیزی بعنوان گناه و روز حسابرسی رو قبول ندارن و آزان در این عمر کوتاه دنیوی هر کاری رو که بخوان انجام بدن تا زمانی که

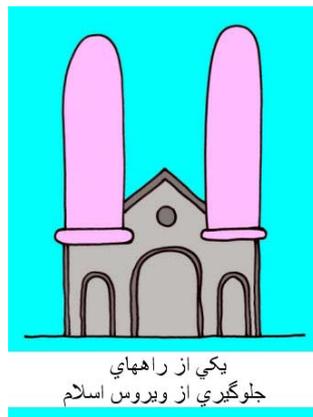
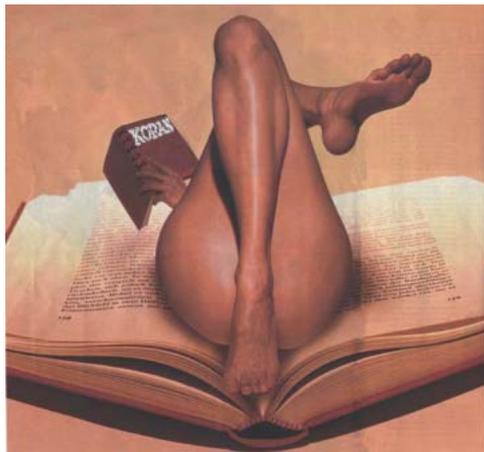
مرگشون فرا می رسه و بطور کامل نابود می شن و هیچ هراسی از جهنم ندارن. خوب شاید شما بگید آدم اگر انسانیت داشته باشه این کارها رو انجام نمی ده. حالا من سوال می کنم مگر نداشتن انسانیت گناه محسوب می شه. اصلا کافران که خود گناه رو قبول ندارن. حالا من انسانیت ندارم و هر کاری که خواستم می کنم بدون ترس از هیچ موجودی. ببین دوست عزیز تو چطور می تونی این شخص کافر رو قبول داشته باشی و بگی هیچ خدایی وجود نداره که با سنجیدن اعمالمون پاداش و جزامون رو بهمون بده. اگر همه اینطور فکر کنند که جهان پر می شه از بی عدالتی - ناامنی و... و اصلا چطور نمی تونی خدا رو قبول داشته باشی و بگی که خدا چگونه بوجود

آمده. من می خوام بدونم شما که می گید این جهان از روی طبیعت بوجود آمده می خوام بدونم این طبیعت چگونه بوجود آمده. اگر می گید خوب طبیعت از همون اول بوده. منم می گم خوب خدا هم از همون اول بوده

مت کلارک از ایالت مین آمریکا:

چقدر خوبست می بینم یکی مانند شما با چنین تعقلی صحبت می کند. من مشغول مطالعه کتاب سام هریس: "پایان دین: ترور و آینده خرد" هستم. چه کسی توانسته بخوبی شما حتی سکولارهای فناتیک معتقد به مالتی کالچرالیسم را که غیر قابل توجیه ترین عقاید و رفتارها را توجیه می کنند چنین بخوبی نقد کند؟

دیدگاه سام هریس این است که مشکل بشر از مذهب است و به سنت



Religion Update

آپدیت

اعظم کم گوینان

شروع کار بانک اسلامی در بریتانیا

بانک لوید تی اس بی اخیرا آغاز به کار اولین حسابهای بانکی اسلامی مبتنی بر قانون اسلامی شریعت در این کشور را اعلام کرد. این بانک اعلام نمود که استفاده کنندگان و مشتریان این حسابها اساسا دانشجویان اسلامی هستند و چون این بانک نه بهره بانکی می خواهد و نه بهره می پردازد برای اسلاميون راه اندازی شده است. یک جمعیت دو میلیونی اسلامی و جوان در بریتانیا مشغول به تحصیل هستند.

دولت اسپانیا پرداختهای مالی به کلیسای کاتولیک را کاهش داد

در اقدامی که مورد حیرت بسیاری گردید دولت اسپانیا اعلام کرد که کمک مالی ای را که طبق قرارداد کنکوردات به دولت واتیکان می پرداخت - لغو کرده است. این مبلغ سال گذشته 30 میلیون یورو (حدود 20 میلیون پوند) بود. در مقابل دولت - مقدار مالیات سرانه ای که از درآمد سالانه مردم به کلیسای کاتولیک پرداخت می شود و در حال حاضر 0.52 درصد است را به 0.7 درصد افزایش داد.

علاوه بر این کلیسای کاتولیک معافیت از پرداخت مالیات های غیر مستقیم (مالیات بر کالاها) را از دست می دهد و موظف خواهد بود که مصرف پولی را که از محل کمکهای داوطلبانه دریافت کرده است را به دولت گزارش کند.

با همه اینها این اقدامات هنوز شامل صدها میلیون یورویی که به معلمین مدارس مذهبی و کاتدرالهای اسپانیایی پرداخت می شود - نمی گردد و این نهادها همچنان از گزارش دادن مخارج خود به دولت معاف بوده و در دریافت پولها و کسب درآمدهای خود آزاد هستند.

دولت اسپانیا رسماً و طبق قانون اساسی مصوب سال 1978 از کلیسای کاتولیک جدا شد اما طبق کنکوردات با واتیکان در سال 1979 همچنان کلیسای کاتولیک را تامین مالی کرده است. طبق این کنکوردات مالیات دهندگان اگر بخواهند بطور دلوظلبانه 0.52 درصد درآمد سالانه خود را به کلیسای کاتولیک می پردازند. از سال 1989 مقدار فوق با مخارج کلیسا متناسب نبوده و دولت کسری آن را جبران کرده است. دولت فعلی اسپانیا که از سال 2004 قدرت را به نخست وزیر خوزه لوپز رودریگز زاپاترو به دست گرفت قوانینی را برای محدود کردن نفوذ کلیسا تصویب کرد از جمله راحت کردن طلاق تصویب قانون ازدواج همجنسگرایان و لغو شرطی که آموزش دین در مدارس را اجباری ساخته بود. رابطه دولت و واتیکان از آن پس طوفانی بوده است.

برقع باعث رواج بیماری نریمی استخوان در برمینگام

برادر کاراگر مدیر مسئول این خانه کودکان در سال 2004 به 14 سال کمپین آگاهگری برای سلامتی در زندان محکوم شد. او بطور سیستماتیک کودکان را در سالهای 1968 تا 1992 آزار می داده است. وی در سال 1993 بخاطر آزار شدید جنسی کودکان به 7 سال زندان محکوم شده بود. کاراگاه مسئول تحقیق در مورد جرائم او گفت: "این فرد شریکترین موجودی است که تا بجال دیده ام"

مردانی که آن زمان کودکانی 10 تا 16 ساله بوده اند اکنون در نقاط مختلف کشور زندگی می کنند اما تعدادی که برادر کاراگر آنها را مورد آزار قرار می داد اکنون بخاطر جرائم شدید در زندان بسر می برند. بسیاری از مردان اکنون هنگامی که ادعا نامه های خود را اعلام می کنند اشک می ریزند و اغلب بدلیل شرم و نگرانی از گذشته و آزارهای جنسی نمی خواهند پا پیش بگذارند.

در ماه جولای سال گذشته مرد 35 ساله ای که بخاطر کودک آزاری کشیش زندگیش ویران شد 600 هزار پوند از سوی کلیسای کاتولیک غرامت گرفت. قربانی که در بنلیل کودک آزاری ممتد اسکیزوفرنیک گردید و دچار مشکلات متعدد روانی و عصبی بود توسط کشیش پدوفیل کریستوفر کلونان از سن 7 سالگی بمدت 11 سال مورد آزار جنسی قرار داشته است.

در فاصله سالهای 1960-1992 می باشد. 140 مرد که از این سازمانها شکایت قانونی کرده اند طی سالها تحت یک سیستم آزار جنسی بیرحمانه قرار داشته اند. طی سی سال این افراد که در فقیرترین و محروم ترین مناطق زندگی می کرده اند آزار فیزیکی و جنسی شدیدی دیده اند. بسیاری از آنها از تجاوز جنسی شدید سخن می گویند و خواستار غرامتی حدود 50 هزار پوند شده اند. یک وکیل متخصص در زمینه آزار کودکان می گوید: "آزار فیزیکی گسترده و رایج و اگر کودکان تن به آزار جنسی نمی داده اند تنبیه جنسی

حقوق انسان جهانشمول است

دست مذهب از زندگی کودکان کوتاه!